

آیا آیه ابلاغ قبل از غدیر نازل شده است؟

توضیح سؤال:

شببه فوق که توسط ابن تیمیه مطرح گردیده، در صدد است تا این مطلب را القاء کند که آیه ابلاغ در غدیر خم نازل نشده است؛ بلکه آیه ابلاغ مدت ها قبل از حجه الوداع نازل شده است. و اگر رسول خدا صلی الله علیه وآلہ وسلم در صدد بودند تا امیر المؤمنین علیه السلام را به خلافت بعد از خود معرفی کند می توانستند در جایی که جمعیتی بیشتر حضور دارند مثل شهر مکه و یا صحرای عرفات، به این کار مبادرت ورزند. پس در نتیجه آن چه در غدیر اتفاق افتاد آن چیزی نیست که شیعه ادعای آن را دارد.

اصل شببه ابن تیمیه

اصل شببه ابن تیمیه به شرح زیر است:

قال الرافضی: الخبر المتواتر عن النبي (ص): أنه لما نزل قوله تعالى: (يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك) ^[۱]. خطب الناس في غدیر خم ...

والجواب: أن هذا الجواب كذب، وأن قوله: (بلغ ما أنزل إليك من ربك)، نزل قبل حجة (الوداع) بمدة طويلة ...
ومما يبين ذلك أن آخر المائدة نزولاً قوله تعالى: (اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي) ^[۲]. وهذه الآية نزلت بعرفة
تاسع ذي الحجة في حجة الوداع، والنبي (ص) واقف بعرفة، ...

فمن قال: إن المائدة نزل فيها شيء بغضير خم فهو كاذب مفترٌ باتفاق أهل العلم.

وهذا مما يبين أن الذي جري يوم الغدیر لم يكن مما أمر بتبلیغه، كالذی بلغه في حجه الوداع؛ فإن كثيراً من الذين حجوا معه
- أو أكثرهم - لم يرجعوا معه إلى المدينة، بل رجع أهل مكة، وأهل الطائف إلى الطائف، وأهل اليمن إلى اليمن، وأهل
البودي القريبة من ذاك إلى بوداهم. وإنما رجع [معه] أهل المدينة ومن كان قريباً منها ... ^[۳]

رافضی (علامه حلی) می گوید: روایت متواتر از رسول خدا صلی الله علیه وآلہ وسلم وارد شده که هنگامی که این آیه (آیه
ابлаг) نازل شد رسول خدا صلی الله علیه وآلہ وسلم در غدیر خم برای مردم خطبه خواند
جواب او این می شود که این مطلب دروغی بیش نیست و آیه ابلاغ مدتی قبل از حجه الوداع نازل شده است.

و از قرایینی که این مطلب را تبیین می کند آیه اکمال است که در نهم ذی حجه در حجه الوداع در حال وقوف پیامبر در
عرفات نازل گردید. و هر کس بگوید آیه ای از سوره مائدہ در غدیر خم نازل شده دروغ گوست و افتراء وارد کرده است ...

و از مطالب دیگری که می فهماند آن چه در غدیر خم اتفاق افتاد چیزی نبود که پیامبر مأمور به تبلیغ آن باشد این است که
بسیاری از مردم که به همراه پیامبر به حج رفته بودند به مدینه باز نمی گشتن؛ بلکه بعضی که اهل شهر مکه بودند در
همان شهر می ماندند و بعضی که اهل طائف بودند مستقیماً به طائف می رفتند و بعضی دیگر که اهل یمن بوده به یمن می
رفتند. [وھیج کدام مسیر شان از غدیر خم نمی گذشت تا شاهد ابلاغ از جانب رسول خدا صلی الله علیه وآلہ وسلم باشند].

پس اگر حضرت قصد این می داشتند که در روز غدیر امامت علی را اعلام کنند باید آن را در حجه الوداع ابلاغ می کردند.
پس حال که حضرت این کونه نکردند و سخنی که مربوط به امامت علی بشود نفرمودند و هیچ کس نیز در این رابطه
روایتی نه ضعیف و نه صحیح نقل نکرده است و حتی آن حضرت در خطبه خود نامی از علی هم به زبان نیاوردن در حالی
که این مجتمع عمومی بود که همه حاجیان در آن حضور داشتند پس معلوم می شود که حضرت مأمور به ابلاغ امامت علی
نبوده اند.

در پاسخ به این اشکال ابن تیمیه می‌توان به منابع اهل سنت در بیان شأن نزول آیه ابلاغ مراجعه نمود.

شأن نزول آیه ابلاغ در منابع اهل سنت

منابع و مصادر معتبر اهل سنت به این حقیقت اعتراف دارند که آیه ابلاغ نیز در روز غدیر نازل شد.

اسامی تعدادی از علمای اهل سنت که این مطلب را یادآور شده‌اند به شرح زیر است:

- ۱ - ابن أبي حاتم عبد الرحمن بن محمد بن إدريس رازی ۲ - أحمد بن موسی بن مردویه. ۳ - أحمد بن محمد ثعلبی. ۴ - أبو نعیم أحمد بن عبد الله اصفهانی. ۵ - أبو الحسن علی بن أحمد واحدی. ۶ - مسعود بن ناصر سجستانی. ۷ - عبد الله بن عبید الله حسکانی. ۸ - ابن عساکر علی بن حسن دمشقی. ۹ - فخر الدین محمد بن عمر رازی. ۱۰ - محمد بن طلحه نصیبی شافعی. ۱۱ - عبد الرزاق بن رزق الله رسعنی. ۱۲ - حسن بن محمد نیشابوری. ۱۳ - علی بن شہاب الدین همدانی. ۱۴ - علی بن محمد معروف به ابن صباح مالکی. ۱۵ - محمود بن أحمد عینی. ۱۶ - عبد الرحمن بن أبي بکر سیوطی. ۱۷ - محمد محبوب عالم. ۱۸ - حاج عبد الوهاب بن محمد. ۱۹ - جمال الدین عطاء الله بن فضل الله شیرازی. ۲۰ - میرزا محمد بن معتمد خان بدخشانی.

^[۴] روایت ابن أبي حاتم عبد الرحمن بن محمد بن إدريس رازی

أخرج ابن أبي حاتم وابن مردویه وابن عساکر عن أبي سعید الخدري قال: نزلت هذه الآية: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» علي رسول الله صلي الله عليه وسلم يوم غدير خم في علي بن أبي طالب.^[۵] آیه «يا ايها الرسول بلغ...» در غدیر خم بر رسول خدا صلی الله علیه وآلہ وسلم و در شأن [حضرت] علی بن ابی طالب [علیهم السلام] نازل شده است.

^[۶] روایت ابن مردویه

وأخرج ابن مردویه عن ابن مسعود قال: كنا نقرأ على عهد رسول الله صلي الله علیه وسلم: يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك إن عليا مولي المؤمنين وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس^[۷] در زمان رسول خدا این آیه را این گونه قرأت می‌کردیم: يا ايها الرسول بلغ ما انزل إليك من ربك إن عليا مولي المؤمنين وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس.

^[۸] روایت ثعلبی

... معناه: بلغ ما انزل إليك من ربك في فضل علی بن أبي طالب، فلما نزلت هذه الآية أخذ رسول الله صلی الله علیه وسلم بید علی فقال: ...^[۹]

أخبرني ... عن ابن عباس في قوله تعالى: «يا أيها الرسول بلغ ما انزل إليك من ربك» الآية. قال: نزلت في علی، ...^[۱۰] ... معنای آن این است که آنچه از سوی پروردگاری در فضل علی بن ابی طالب به تو نازل می‌شود را به مردم ابلاغ کن و چون این آیه نازل شد رسول خدا صلی الله علیه وآلہ وسلم دست علی را گرفت و فرمود: ... و روایت کرد در باره آیه بلغ ما انزل ... که این آیه درباره علی [علیهم السلام] نازل شده است.

^[۱۱] روایت واحدی

... عن أبي سعيد الخدري قال نزلت هذه الآية: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلَغَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» يوم غدير خم في علي بن أبي طالب رضي الله عنه.^[12]

... از أبو سعيد خدري نقل شده است که آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلَغَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» در روز غدير خم و در شأن علي بن أبي طالب [عليهما السلام] نازل شده است.

روایت أبو سعید مسعود بن ناصر سجستانی^[13]

ورواه أبو سعيد مسعود بن ناصر السجستانی في كتابه حول حديث الولاية بإسناده عن ابن عباس إنه قال: أمر رسول الله صلى الله عليه وسلم أن يبلغ بولاية علي، فأنزل الله عزوجل «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلَغَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ» الآية فلما كان يوم غدير خم قام فحمد الله وأثنى عليه وقال صلي الله عليه وسلم: ألسنت أولي بكم من أنفسكم؟ قالوا: بلي يا رسول الله. قال صلي الله عليه وسلم: فمن كنت مولاه فعليه مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاده، وأحب من أحب وأبغض من أبغضه وانصر من نصره، وأعز من أعزه، وأعن من أعنده.^[14]

أبو سعيد مسعود بن ناصر سجستانی در کتاب خود پیرامون حدیث ولایت با سند خود از ابن عباس نقل می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم به ابلاغ ولایت علی امر شد، لذا این آیه نازل شد: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلَغَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» و چون روز غدير خم فرا رسید پیامبر برخاست و حمد و ثنای الهی کرد و فرمود: ...

روایت حاکم حسکانی

وروى أبو القاسم عبد الله بن عبد الله الحسکاني نزول قوله تعالى: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلَغَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ ...» في واقعة يوم غدير خم ...^[15]

أبو القاسم عبد الله بن عبد الله الحسکاني نزول آیه: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلَغَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ ...» را در باره واقعه غدير خم دانسته است ...

روایت ابن عساکر^[16]

رواية ابن عساکر راسیوطی در الدر المنشور آورده است.
ابن عساکر عن أبي سعيد الخدري قال: نزلت هذه الآية: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلَغَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» علي رسول الله صلی الله علیه وسلم يوم غدير خم في علي بن أبي طالب.^[17]

آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلَغَ ...» در غدير خم بر رسول خدا صلی الله علیه وآلہ وسلم و در شأن [حضرت] علي بن ابی طالب [عليهما السلام] نازل شده است.

روایت فخر رازی^[18]

العاشر - نزلت هذه الآية في فضل علي رضي الله عنه، ولما نزلت هذه الآية أخذ بيده وقال: من كنت مولاه فعليه مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاده، فلقيه عمر رضي الله عنه فقال: هنيئا لك يا ابن أبي طالب، أصبحت مولاي ومولي كل مؤمن ومؤمنة. وهو قول ابن عباس والبراء بن عازب ومحمد بن علي^[19]

این آیه در فضیلت علی علیه السلام نازل شده است، و چون این آیه نازل شد حضرت دست علی را بلند کرد و فرمود: من كنت مولاه فعليه مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاده، عمر به او عرضه داشت: مبارک باد بر تو اي فرزند ابو طالب، تو مولاي من و مولاي هر زن و مرد مؤمني گشتي ...

[20] روایت محمد بن طلحه

زيادة تقرير - نقل الإمام أبو الحسن الواحدی في كتابه المسمى بأسباب النزول يرفعه بسنته إلى أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: أنزلت هذه الآية: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» يوم غدير خم في علي بن أبي طالب.^[21] توضیح بیشتر- إمام أبو الحسن واحدى در کتابش به نام أسباب النزول با سندش به أبو سعيد خدري گفته است: این آیه: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» روز غدير خم در باره علي بن أبي طالب نازل شده است.

[22] روایت عبد الرزاق رسعنی

قال محمد بن معتمد خان البدخشانی: أخرج عبد الرزاق الرسعنی عن ابن عباس رضی الله عنہ قال: لما نزلت هذه الآية: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» أخذ النبي صلی الله علیه وسلم بيد علي فقال: من كنت مولاه فعلي مولاهم وال من والاهم وعد من عاده.^[23]

محمد بن معتمد خان بدخشانی گفته است: عبد الرزاق رسعنی از ابن عباس نقل کرده: زمانی که این آیه «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» نازل شد پیامبر صلی الله علیه وآلله وسلم دست علي را گرفت و فرمود: من كنت مولاهم فعلي مولاهم وال من والاهم وعد من عاده.

[24] روایت نیشابوری

عن أبي سعيد الخدري إن هذه الآية نزلت في فضل علي بن أبي طالب [رضي الله عنه وكرم الله وجهه] يوم غدير خم، فأخذ رسول الله صلی الله علیه وسلم بيده وقال: من كنت مولاهم فهذا علي مولاهم، اللهم وال من والاهم وعد من عاده، فلقيه عمر وقال: هنئا لك يا ابن أبي طالب أصبحت مولاي ومولي كل مؤمن ومؤمنة. وهو قول ابن عباس والبراء ابن عازب و Mohammad بن Ali.^[25] از أبو سعيد خدري این آیه در فضل علي بن أبي طالب [عليهم السلام] در روز غدير خم نازل شد. و دست او را گرفت و فرمود: من كنت مولاهم فهذا علي مولاهم، اللهم وال من والاهم وعد من عاده، عمر او را ملاقات نمود و گفت: مبارک باد بر تو اي فرزند أبو طالب امروز تو مولاي من و مولاي هر مؤمن و مؤمنه اي گشتی و این روایت از ابن عباس و براء بن عازب و محمد بن علي روایت شده است.

[26] روایت بدر الدين عینی

وی در شرح خود بر صحیح بخاری در تفسیر آیه مورد بحث این گونه بیان می کند:
ص - باب يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك. ش - أي هذا باب من قوله تعالى: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل» ذكر الواحدی من حديث الحسن بن حماد سجاه قال: ثنا علي بن عياش عن الأعمش وأبي الجحاف، عن عطية، عن أبي سعيد قال: نزلت هذه الآية: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» يوم غدير خم في علي بن أبي طالب رضي الله عنه. وقال مقاتل: قوله بلغ ما أنزل إليك. وذلك أن النبي صلی الله علیه وسلم دعا اليهود إلى الإسلام فأكثر الدعاء، فجعلوا يستهزؤن به ويقولون: أتريد يا محمد أن تتحذك حنانا كما اتخذت النصاري عيسى حنانا. فلما رأى رسول الله صلی الله علیه وسلم ذلك سكت عنهم، فحرض الله تعالى نبیه علیه السلام علی الدعاء إلی دینه لا یمنعه تکذیبهم ایا و استهزاؤهم به عن الدعاء ...^[27]

ص - باب يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك. ش - يعني: این باب سخن خداوند: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل» است. واحدی از حديث حسن بن حماد سجاه آورده است: ... این آیه: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» روز غدير خم در شأن و فضیلت علي بن أبي طالب [عليهم السلام] وارد شده است. و مقاتل گفته است: «بلغ ما أنزل إليك». نبی صلی الله علیه وسلم یهود را به اسلام دعوت نمود و در این راه سعی و کوشش فراوان نمود، اما آنها در پاسخ فقط به استهزاء و تمسخر

حضرت پرداختند و گفتند: اي محمد آيا دوست داري که ما تو را رحمتي از سوي خدا براي خود بگيريم؛ همان گونه که نصاري عيسى را رحمت از سوي خدا قرار داده بودند؟ وقتی رسول الله صلي الله عليه وآلہ وسلم اين چنین ديد سکوت کرد. باز هم خداوند رسولش را به دعوت آنها تشویق کرد و از او خواست که در اين راه هرگز خسته و نا اميد نشود ...

روایت سیوطی [28]

أخرج أبو الشيخ عن الحسن: إن رسول الله صلي الله عليه وسلم قال: إن الله بعثني برسالة، فضقت بها ذرعاً وعرفت أن الناس مكذبي، فوعدني لأنزلن أو ليعدبني، فأنزلت «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك». وأخرج عبد بن حميد وابن جرير وابن أبي حاتم وأبو الشيخ عن مجاهد قال: لما نزلت «بلغ ما أنزل إليك من ربك». قال: يا رب إنما أنا واحد كيف أصنع، يجتمع علي الناس فنزلت: «وإن لم تفعل فما بلغت رسالته». وأخرج ابن جرير وابن أبي حاتم عن ابن عباس: «وإن لم تفعل فما بلغت رسالته» يعني إن كتمت آية مما أنزل إليك لم تبلغ رسالته. وأخرج ابن مارديه وابن عساكر عن أبي سعيد الخدري قال: نزلت هذه الآية: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك». علي رسول الله صلي الله عليه وسلم يوم غدير خم في علي بن أبي طالب. وأخرج ابن مارديه عن ابن مسعود قال: كنا نقرأ على عهد رسول الله صلي الله عليه وسلم: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك». إن علياً مولى المؤمنين «وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس» وأخرج ابن أبي حاتم عن عترة قال: كنت عند ابن عباس فجاءه رجل فقال: إن ناساً يأتونا فيخبرونا أن عندكم شيئاً لم يبده رسول الله صلي الله عليه وسلم للناس. فقال: ألم تعلم أن الله قال: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك». والله ما ورثنا رسول الله صلي الله عليه وسلم سوداء في بيضاء». [29]

أبو الشيخ از حسن روایت نموده است: رسول خدا صلي الله عليه وآلہ وسلم فرمود: خداوند مرا به رسالتی مبعوث فرمود که من از انجام آن عاجز ماندم و می دانستم که مردم مرا تکذیب می کنند، خداوند به من وعده داد که یا آن را ابلاغ کنم یا مرا عذاب نماید، در این حال بود که آیه نازل شد: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك».

و عبد بن حميد و ابن جریر و ابن أبي حاتم و أبو الشيخ از مجاهد روایت نموده اند: چون آیه نازل شد: «بلغ ما أنزل إليك من ربك». پیامبر فرمود: پروردگارا! من یک تنه چه کار می توانم انجام دهم و حال آن که مردم دور مرا احاطه نموده اند. آیه نازل شد: «وإن لم تفعل فما بلغت رسالته».

و ابن جریر و ابن أبي حاتم از ابن عباس روایت نموده اند: «وإن لم تفعل فما بلغت رسالته» يعني: اگر آنچه به تو نازل گردیده را کتمان نمایی رسالتت را انجام نداده ای.

و ابن أبي حاتم و ابن مارديه و ابن عساكر از أبو سعيد خدري روایت کرده اند: آیه: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك». بر رسول خدا صلي الله عليه وآلہ وسلم در روز غدير خم در شان علي بن أبي طالب نازل شد.

و ابن مارديه از ابن مسعود روایت کرده است: ما در زمان رسول خداوند صلي الله عليه وآلہ وسلم آیه را اين گونه می خوانديم: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك». إن علياً مولى المؤمنين «وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس»

و ابن أبي حاتم از عترة روایت نموده است: نزد ابن عباس بودیم که شخصی وارد شد و گفت: مردمی نزد ما می آیند و می گویند نزد رسول الله چیزی هست که تا کنون بر ما آشکار ننموده است. ابن عباس گفت: مگر نمی دانی که خداوند فرموده است: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك». والله رسول خدا صلي الله عليه وآلہ وسلم هر آنچه لازم بود را براي ما به ارث گذارد».

حاج عبد الوهاب بخاري متوفی سال 932 هـ از اکابر علماء و از مشاهیر اهل سنت، که شیخ عبدالحق دهلوی در « الاخبار الاخیار» و نیز سید محمد ابن سید جلال ماه عالم در «تذکرہ الأبرار» برای او شرح حال نوشتہ اند و او را تمجید و ثناء کرده اند.

روایت وی به شرح ذیل است:

«قل لا أسائلكم عليه أجرًا إلا المودة في القربى»: عن البراء بن عازب رضي الله عنه قال في قوله تعالى: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» أي: بلغ من فضائل علي. نزلت الآية في غدیر خم. فخطب رسول الله صلی الله علیه وسلم ثم قال: من كنت مولاه فهذا علي مولاه. فقال عمر رضي الله عنه: بخ بخ يا علي أصبحت مولاي ومولي كل مؤمن ومؤمنة. رواه أبو نعيم. وذكره أيضا الشعالي في كتابه.^[30]

از براء بن عازب روایت شده در باره قول خداوند تعالی: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» یعنی: فضائل علي را ابلاغ کن. این آیه در غدیر خم نازل شد. رسول خدا صلی الله علیه وآلہ وسلم خطبه ای خواند و سپس فرمود: «من کنت مولاه فهذا علي مولاه». عمر گفت: «بخ بخ يا علي أصبحت مولاي ومولي كل مؤمن ومؤمنة». این روایت را أبو نعیم و شعاعی در کتابشان ذکر کرده اند.

روایت جمال الدین محدث شیرازی

جمال الدین عطاء الله فرزند فضل الله شیرازی، معروف به محدث متوفی سال 926، صاحب کتاب «روضه الأحباب» فی سیر النبي والآل والأصحاب» و کتاب «الأربعين فی فضائل أمیر المؤمنین». محدثی مدقق و مورد قبول مؤرخان و محدثان و أصحاب سیر و تاریخ بوده است. بسیاری از علماء اهل سنت مثل ملا علي قاری در شرح أحادیث مشکا، و عبد العزیز دهلوی در رساله خود در علم حدیث به او اعتماد نموده و از او نقل حدیث نموده اند ...

او در کتاب اربعین خود روایت را این گونه آورده است:

أقول: أصل هذا الحديث - سوي قصة الحارت - تواتر عن أمير المؤمنين عليه السلام. وهو متواتر عن النبي صلی الله علیه وآلہ أيضا. رواه جمع كثير وجم غفير من الصحابة. فرواه ابن عباس لفظه قال: لما أمر النبي أن يقوم بعلي بن أبي طالب المقام الذي قام به، فانطلق النبي إلى مكة فقال: رأيت الناس حديثي عهد بكفر، ومتى أفعل هذا به يقولون صنع هذا بابن عمّه، ثم مضي حتى قضي حجة الوداع، ثم رجع حتى إذا كان بغدیر خم أنزل الله عز وجل: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك ما ربك» الآية. فقام مناد فنادي الصلاة جامعة، ثم قام وأخذ بيده علي فقال: «من كنت مولاه فعلي مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه»^[31]

مؤلف می گوید: اصل این حدیث - غیر از قصه حارت که ضمن واقعه غدیر ذکر شده - از أمیر المؤمنین علیه السلام به تواتر نقل گردیده است. و این روایت به تواتر از پیامبر صلی الله علیه وآلہ وسلم نیز روایت شده است و جمع کثیری از صحابه نیز آن را نقل کرده اند. ابن عباس آن را این چنین روایت نموده است: زمانی که پیامبر امر شد تا علی را که مامور به بلند نمودن او بود بلند نماید رسول خدا صلی الله علیه وآلہ وسلم از مکه خارج شده بود. به خدایش عرضه داشت: مردم را حدیث العهد به کفر و جاهلیت می بینم، و هر کاری من انجام دهم می گویند این شخص به نفع پسر عمومیش انجام داده است و از من نمی پذیرند. تا این که حجه الوداع به پایان رسید و در مسیر بازگشت از مکه به سرزمین غدیر خم رسیدند که آیه نازل شد: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك ما ربك» تا آخر آیه. در اینجا منادی برخاست و برای نماز جماعت نداد، رسول خدا صلی الله علیه وآلہ وسلم برخاست و دست علی را گرفت و بلند کرد و فرمود: «من كنت مولاه فعلي مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه».

روایت بدخشانی^[32]

رواية او به شرح زیر است:

الآيات النازلة في شأن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب كرم الله وجهه كثيرة جداً لا أستطيع استيعابها، فأوردت في هذا الكتاب لها ولبابها ... وأخرج - أي ابن مردویه - عن زر عن عبد الله رضي الله عنه قال: كنا نقرأ على عهد رسول الله صلى الله عليه وسلم: يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك إن علياً مولى المؤمنين وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس. وأخرج عبد الرزاق عن ابن عباس رضي الله عنه قال: لما نزلت هذه الآية «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» أخذ النبي بيد علي فقال: من كنت مولاً فعلـي مـولاـه، اللـهم وـالـمـوـالـهـ وـعـادـهـ من عـادـهـ. وأخرج ابن مردویه عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه مثله، وفي آخره: فنزلت «اليوم أكمـلـتـ لـكـمـ دـيـنـكـمـ» الآية. فقال النبي: الله أكـبـرـ عـلـيـ إـكـمـالـ الدـيـنـ وـإـتـمـامـ النـعـمـةـ وـرـضـيـ الـربـ بـرسـالـتـيـ وـالـوـلـاـيـةـ لـعـلـيـ بـنـ أـبـيـ طـالـبـ.

[33]

آیات نازل شده در شأن أمیر المؤمنین علي بن أبي طالب [علیہما السلام] بسیار زیاد است که قابل احصاء و شمارش نیست. که من در این کتاب خلاصه ای از آن را می آورم ... آیه نازل شد «اليوم أكمـلـتـ لـكـمـ دـيـنـكـمـ» پیامبر فرمود: الله أكـبـرـ بـرـايـ إـكـمـالـ دـيـنـ وـإـتـمـامـ نـعـمـتـ وـرـضـاـیـتـ پـرـورـدـگـارـ بـهـ رـسـالـتـ منـ وـلـاـیـتـ عـلـيـ بـنـ أـبـيـ طـالـبـ.

روایت همدانی

عن البراء بن عازب رضي الله عنه قال: أقبلت مع رسول الله صلى الله عليه وسلم في حجة الوداع، فلما كان بغدير خم نودي الصلاة جماعة، فجلس رسول الله صلى الله عليه وسلم تحت شجرة، وأخذ بيده علي وقال: ألسنت أولي بالمؤمنين من أنفسهم؟ قالوا: بلي يا رسول الله. فقال: ألا من أنا مولاً فعلـي مـولاـهـ اللـهمـ وـالـمـوـالـهـ وـعـادـهـ من عـادـهـ. فلقيه عمر رضي الله عنه فقال: هنـيـئـاـ لـكـ يـاـ عـلـيـ بـنـ أـبـيـ طـالـبـ، أـصـبـحـتـ مـوـلـاـيـ وـمـوـلـيـ كـلـ مـؤـمـنـ وـمـؤـمـنـةـ، وـفـيـهـ نـزـلـتـ «يـاـ يـاـ الرـسـوـلـ بـلـغـ مـاـ أـنـزـلـ إـلـيـكـ».

[34]

از براء بن عازب روایت شده که: با رسول خدا صلی الله علیه وآل‌ه وسلم در حجه الوداع بودم، که چون به غدیر خم رسیدیم برای نماز جماعت ندا داده شد، رسول خدا صلی الله علیه وآل‌ه وسلم زیر درخت نشستند، و دست علی را گرفته و فرمودند: ...پس در این مورد نازل شد «يـاـ يـاـ الرـسـوـلـ بـلـغـ مـاـ أـنـزـلـ إـلـيـكـ...».

روایت ابن صباح

روي الإمام أبو الحسن الوحدي في كتابه المسمى بأسباب النزول، يرفعه بسنته إلى أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: نزلت هذه الآية: «يـاـ يـاـ الرـسـوـلـ بـلـغـ مـاـ أـنـزـلـ إـلـيـكـ منـ رـبـكـ» يوم غدیر خم في علي بن أبي طالب.

ابوالحسن واحدی در کتاب اسباب النزول روایت کرده است از ابی سعید خدّری که گفت: آیه «يـاـ يـاـ الرـسـوـلـ بـلـغـ مـاـ أـنـزـلـ إـلـيـكـ...» در روز غدیر خم در مورد علی بن ابی طالب(علیه السلام) نازل شد.

روایت محبوب العالم

محمد محبوب العالم فرزند صفي الدين جعفر معروف به بدر العالم:

عن أبي سعيد الخدري: هذه الآية نزلت في فضل علي بن أبي طالب رضي الله عنه يوم غدیر خم، فأخذ رسول الله صلى الله عليه وآل‌ه وسلم بيده وقال: من كنت مولاً فعلـي مـولاـهـ اللـهمـ وـالـمـوـالـهـ وـعـادـهـ من عـادـهـ. فلقيه عمر رضي الله تعالى عنه وقال: هنـيـئـاـ لـكـ يـاـ عـلـيـ بـنـ أـبـيـ طـالـبـ، أـصـبـحـتـ مـوـلـاـيـ وـمـوـلـيـ كـلـ مـؤـمـنـ وـمـؤـمـنـةـ، وـفـيـهـ نـزـلـتـ «يـاـ يـاـ الرـسـوـلـ بـلـغـ مـاـ أـنـزـلـ إـلـيـكـ».

[35]

از أبو سعيد خدري روایت شده: این آیه در فضیلت علی بن أبي طالب [عليهم السلام] روز غدیر خم نازل شده، از این رو رسول خدا صلی الله علیه وآلہ وسلم دست علی را گرفت و فرمود: «من کنت مولا فعلى مولا، اللهم وال من والا وعاد من عاداه». عمر او را ملاقات نمود و گفت: «هنئاً لك يا ابن أبي طالب، أصبحت مولاي ومولي كل مؤمن ومؤمنه». و این قول ابن عباس و براء بن عازب و محمد بن علی [عليهم السلام] است.

زمانی که به تأیید منابع اهل سنت شأن نزول آیه ابلاغ در غدیر خم و ولایت امیر المؤمنین علیه السلام ثابت شد؛ در این صورت مبتدا و خبر کامل شده و معنا و مفهوم مورد ادعای شیعه نیز ثابت شده و دروغ گو و کاذب نیز مشخص گردیده و در آن صورت است که باید گفت: «فثبت ولایه علی بن ابی طالب»

[1]. المائدة: ٦٧.

[2]. المائدة: ٣.

[3]. منهاج السنّة النبوية، ج ٧، ص ٣١٥ تا ٣١٧.

[4]. ذهبي در باره شخصيت ابن ابی حاتم آورده است: «قد كساه الله نورا وبهاء يسر من نظر إليه ... وكان بحرا لا تکرره الدلاء. وكان بحرا في العلوم ومعرفة الرجال، ... وكان زاهدا يعد من الأبدال ... قلنوسوة عبد الرحمن من السماء، وما هو بعجب رجل منذ ثمانين سنة على و涕رة واحدة لم ينحرف عن الطريق ... يقال إن السنّة بالري ختمت بابن ابی حاتم. قال الإمام أبو الوليد الباقي: عبد الرحمن بن ابی حاتم ثقة حافظ ...» (سير أعلام النبلاء، ج ١٣، ص ٢٦٣).

(خداؤند او را با جامه ای از نور و ارزش پوشانده است که همه ناظرین به او خوشحال و مسرور می شوند. او دریایی از علم و آشنایی به علم رجال است که با دلوی از آب کدر و تیره نمی شود. زاهدی است که لقب ابدال می توان بر او نهاد ... کلاه او از آسمان آمد و جای تعجب از او نیست که هشتاد سال عمر خویش را به سبک و روشنی واحد بدون هر گونه انحراف و لغزش پیموده است ... گفته می شود: سنت در ری به این ابی حاتم ختم گردید. و عبد الرحمن بن ابی حاتم در باره او گفته است: او شخصی موثق و حافظ است..)

[5]. الدر المنثور، ج ٢، ص ٢٩٨ - عمده القاري، عيني، ج ١٨، ص ٢٠٦ - أسباب نزول الآيات، واحدي نيشابوري، ص ١٣٥ - شواهد التنزيل، حاكم حسكاني، ج ١، ص ٢٥٠ - فتح القدير، شوكاني، ج ٢، ص ٦٠ - تفسير آلوسي، ج ٦، ص ١٩٣.

[6]. ذهبي در باره شخصيت ابن مردویه آورده است: «ابن مردویه الحافظ الثبت العلامه ... صاحب التفسير والتاريخ وغير ذلك ... وعمل المستخرج علي صحيح البخاري، وكان فيما بمعرفة هذا الشأن، بصيرا بالرجال، طويل الباع، مليح التصانيف. ولد سنة ٢٢٣. ومات ... سنة ٤١٠.» (تذكرة الحفاظ، ج ٣، ص ١٠٥٠).

ابن مردویه شخصی حافظ و دارای قوه ثبت و علامه است ... صاحب کتب تفسیر و تاریخ و غیره است ... و صحیح بخاری را استخراج کرده، و به این کار آشنایی کامل داشته است، و به علم رجال بصیر و آگاه بوده است، دستی بخشد و با کرم داشته است، و صاحب تصنیفات مليحی بوده است. و در سال ٢٢٣ هـ متولد و در سال ٤١٠ هـ وفات یافت.

[7]. الدر المنثور، ج ٢، ص ٢٩٨.

[8]. شرح حال و شخصیت ثعلبی:

أستاذ أبو إسحاق أحمد بن محمد بن إبراهيم ثعلبی، او را خیر العلماء بلکه دریایی علم و ستاره درخشن آسمان ها، و ما یه زینت امامان [چهارگانه اهل سنت] بلکه ما یه افتخار آنها دانسته اند، و [بعضی] او را برتر از امامان چهارگانه دانسته اند. تفسیر ملقب به «الکشف و البیان» برای اوست. (معجم الأدباء، ج ١٢، ص ٢٦٢).

ابن خلگان، ثعلبی را این کونه توصیف می نماید: «أبو إسحاق أحمد بن محمد بن إبراهيم الثعلبي. النيسابوري، المفسر المشهور، كان أوحد أهل زمانه في علم التفسير.»؛ در علم تفسیر در زمان خود بی نظیر و سرآمد بود. (وفیات الأعیان، ج ۱، ص ۶۱ و ۶۲)

ذهبی او را این گونه می ستاید: «وكان حافظاً واعظاً، رأساً في التفسير والعربة، متيناً في الديانة، توفى في المحرم»؛ ثعلبی حافظ و واعظ و در اوچ قله تفسیر و ادبیات عرب و متدين بود و در محرم وفات نمود. (العبر، حوادث سال ۴۲۷). سُبْكِي در باره ثعلبی می گوید: «وكان أوحد زمانه في علم القرآن وله كتاب العرائس في قصص الأنبياء عليهم السلام». (طبقات الشافعية، ج ۴، ص ۵۸)

او در عصر و زمان خود در علم قرآن بی نظیر بود و کتاب «عرائس» در باره قصه های انبیاء علیهم السلام از اوست. آسنوي در شرح حال ثعلبی می گوید: «ذکره ابن الصلاح والنووی من الفقهاء الشافعیة، وكان إماماً في اللغة والنحو.» (طبقات الشافعیه، ج ۱، ص ۴۲۹)

او امام در لغت و علم نحو بود.

داودی در شرح حال ثعلبی می گوید: «كان أوحد أهل زمانه في علم القرآن حافظاً للغة، بارعاً في العربية، واعظاً، موثقاً» (طبقات المفسرين، ج ۱، ص ۶۵).

او در علم قرآن بی نظیر و حافظ در علم لغت و نو آور در علم عربی و واعظ و موثق بود.

[۹] . تفسیر الثعلبی، ج ۴، ص ۹۱.

[۱۰] . تفسیر الثعلبی، ج ۴، ص ۹۲.

[۱۱] . ذهبی در شرح حال واحدی این چنین آورده است: «الإمام العالمة الأستاذ أبو الحسن ... صاحب التفسير، وإمام علماء التأویل ...» (سیر أعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۳۳۹).

إمام، علامه، استاد، ابو الحسن ... صاحب تفسیر، و پیشوای علمای تأویل بود ...

[۱۲] . أسباب النزول واحدی، ص ۱۱۵.

[۱۳] . در باره شخصیت أبو سعيد سجستانی این گونه آمده است: «وأبو سعيد السجستاني من كبار حفاظ أهل السنة ...» (الأنساب، سمعانی، ج ۳، ص ۲۲۶).

أبو سعيد سجستانی از بزرگان حفاظ اهل سنت است ...

ذهبی در شرح حال او می گوید: «ومسعود بن ناصر السجزي، أبو سعيد الركاب الحافظ رحل وصنف وحدث عن أبي حسان المزكي وعلي بن بشري وطبقتهما، ورحل إلى بغداد وأصبهان، قال الدفاق: لم أر أجود إتقانا ولا أحسن ضبطا منه. توفي بنیساپور في جمادي الأولى.» (العبر، حوادث سال ۴۷۷)

مسعود بن ناصر سجزی أبو سعيد رکاب حافظ مسافت می کرد و می نوشت ... دفاق در باره او گفته است: متقن تر و اضبط از او ندیده ام ...

[۱۴] . شواهد التنزيل، ج ۲، ص ۸.

[۱۵] . مجمع البيان في تفسير القرآن ج ۲، ص ۲۲۲ - شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۱۸۷.

[۱۶] . ذهبی در شرح ابن عساکر می گوید: «ابن عساکر الإمام الحافظ الكبير محدث الشام فخر الأئمة ثقة الدين ... قال السمعانی: أبو القاسم حافظ ثقة متقن دین خیر حسن السمت، جمع بین معرفة المتن والإسناد، وكان كثير العلم غزير الفضل، صحيح القراءة، متثبتاً» (تذکرہ الحفاظ، ج ۴، ص ۱۳۲۸ و ۱۳۲۳).

ابن عساکر امام، حافظ، بزرگ و محدث شام و فخر آئمه و مورد وثوق در دین است ... سمعانی در باره او کفته است: أبو القاسم حافظ و ثقة و متقن و دیندار و خیر و بیشتر اوقات ساكت بود، بین معرفت متن و سند جمع کرد. کثیر العلم و کثیر الفضل و صحیح القرائه و ثابت قدم بود.

[17] . الدر المنتور، ج ۲، ص ۲۹۸.

[18] . ابن خلکان در شرح حال فخر رازی می گوید: «أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسين ابن الحسن بن علي، التیمی، البکری، الطبرستانی [الأصل] الرازی المولد، الملقب فخر الدین، المعروف بابن الخطیب، الفقیه الشافعی. فرید عصره ونسیج وحده، فاق أهل زمانه في علم الكلام والمعقولات وعلم الأوائل، له التصانیف المفیدة في فنون عدیدة، منها تفسیر القرآن الكريم، ... وكان يلقب بهرا شیخ الاسلام ... وكان العلماء يقصدونه من البلاد وتشد إليه الرحال من الأقطار ...» (وفیات الأعیان، ج ۳، ص ۳۸۱ و ۳۸۵).

در عصر خود بی نظیر و بی همتا است، در علم کلام و معقولات و علم اوائل سرآمد همه است صاحب های مفید و متعدد در موضوعات مختلف است که از جمله آن ها تفسیر اوست ... و در هرات او را شیخ الاسلام می نامند ... و علماء بلاد دیگر به سوی او رنج سفر تحمل می کنند

[19] . تفسیر رازی، ج ۱، ص ۴۹.

[20] . یافعی در باره محمد بن طلحه می گوید: «الکمال محمد بن طلحة النصیبی الشافعی. وكان رئيساً محتملاً بارعاً في الفقه والخلاف، ولی الوزارة مرة ثم زهد وجمع نفسه، توفي بحلب في شهر رجب وقد جاوز التسعين، وله دائرة الحروف ...» (مرآه الجنان، حوادث سنة ۶۵۲).

محمد بن طلحه نصیبی شافعی، رئیس و با احتشام و وقار خاصی بود. و در فقه و مسائل اختلافی نوآور بود، و یک بار به پست وزارت منصوب شد اما پس از آن زهد و ورع پیشه کرد. و در شهر حلب ... وفات یافت ...

[21] . مطالب السئول في مناقب آل الرسول، ص ۴۴.

[22] . ذهبي در باره رسعني می گوید: «الرسعني العلامة عز الدين عبد الرزاق بن رزق الله بن أبي بكر، المحدث المفسر الحنبلي. ولد سنة تسع وثمانين. وسمع بدمشق من الكندي وببغداد من ابن منينا، وصنف تفسيراً جيداً، وكان شيخ الجزيرة في زمانه علماً وفضلاً وجلاة. توفي في ثاني عشر ربیع الآخر». (العبر، حوادث ۶۶۱).

علامه عز الدين عبد الرزاق بن رزق الله بن أبي بكر رسعني، محدث و مفسر حنبلي است. که در سال هشتاد و نه متولد شد ... و تفسیر خوبی تالیف نمود، و در زمان خود از حیث علم و فضل و جلالت شیخ الجزیره بود ...

[23] . مفتاح النجا في مناقب آل العبا، مخطوط.

[24] . اعتماد به نیشابوری و تفسیر او: «وذكر الكاتب الجلبي تفسير النيسابوري بقوله: غرائب القرآن ورغائب الفرقان في التفسير، للعلامة نظام الدين حسن بن محمد بن حسين القمي النيسابوري، المعروف بالنظام الأعرج ...» (کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۱۹۵).

کاتب جلبي از تفسیر نیشابوری نام برده و در باره آن این گونه کفته است: تفسیر غرائب القرآن ورغائب الفرقان برای علامه نظام الدين حسن بن محمد بن حسين قمي نیشابوری، معروف به نظام اعرج است ...

[25] . تفسیر نیشابوری، ج ۶، ص ۱۲۹ و ۱۳۰.

[26] . سیوطی در باره بدر الدین عینی می گوید: «... وكان إماماً عالماً علامة ...» (بخيه الوعاه، ج ۲، ص ۲۷۵).

[27] . عمده القاری، شرح صحیح بخاری، ج ۱۸، ص ۲۰۶.

[28] . ابن العماد در باره سیوطی می گوید: «وقد أشتهر أكثر مصنفاته في حياته في أقطار الأرض شرقاً وغرباً ، وكان آية كبرى في سرعة التأليف.» (الکواكب السائرة، ج ۱، ۲۲۸).

أكثـر مـصنـفات سـيـوطـي در زـمان حـياتـش در منـاطـق مـخـتـلـف اـز شـرق وـغـرب اـنـتـشار وـشـهـرـت يـافت، وـاو نـشـانـه بـزرـگ خـداـونـد [معـجزـه وـاعـجـوبـه] در سـرـعـت تـأـلـيف بـود.

عبد الله بن صديق مغربي در باره سیوطی می گوید: «وكان أماما في أكثر العلوم وأعلم أهل زمانه بعلم الحديث وفنونه ورجاله وغريبه واستنباط الأحكام منه.» (مقدمه رد اعتبار الجامع الصغير، ص ۴۶).

سـيـوطـي اـمام در أـكـثـر عـلـوم وـأـلـعـم أـهـل زـمان خـود در عـلـم حـدـيـث وـفـنـون وـرـجـال حـدـيـث وـمـطـالـب سـخـت حـدـيـثي وـاسـتـنبـاطـهـ اـحـكـام اـز روـایـات بـود.

شاگرد سـيـوطـي «داودـي» درباره او: «وكان أعلم أهل زمانه بعلم الحديث وفنونه ، رجالاً وغريبـاً ، ومتنا وسنـدا ، واستنباطـا للـأـحـكـامـ منه.» (مـقدمـهـ الـلمـعـ فـيـ أـسـبـابـ وـرـوـدـ الـحدـيـثـ، ص ۹).

أـلـعـم أـهـل زـمان خـود در عـلـم حـدـيـث وـفـنـون آـن اـز حـيـث رـجـال وـمـطـالـب غـرـيبـ آـن، وـاـز حـيـث مـتن وـسـنـد، وـاسـتـنبـاطـهـ اـحـكـام اـز روـایـات بـود.

[29] . الدر المـنـثـورـ فـيـ التـفـسـيرـ بـالـمـأـثـورـ، ج ۲، ص ۲۹۸.

[30] . أـخـبـارـ الـأـخـيـارـ، ص ۲۰۶.

[31] . كتاب الـأـرـبـعـينـ فـيـ فـضـائلـ أـمـيـرـ الـمـؤـمـنـينـ، مـخـطـوـطـ. الغـدـيرـ، عـلـامـهـ أـمـيـنـيـ، ج ۱، ص ۳۰۱.

[32] . مـيرـزاـ مـحمدـ بـدـخـشـانـيـ اـزـ مـحـدـثـيـنـ مـورـدـ اـعـتـمـادـ أـهـلـ سـنـتـ استـ، كـهـ بـسـيـارـيـ اـزـ عـلـمـايـ مـتأـخـرـ اـهـلـ سـنـتـ، اـزـ اوـ نـقـلـ حـدـيـثـ كـرـدـهـ وـبـهـ روـایـاتـ اوـ استـشـهـادـ نـمـودـهـ اـنـدـ وـاـزـ جـمـلـهـ آـثـارـ اوـ: نـزـلـ الـأـبـرـارـ، تـحـفـهـ الـمـحـبـيـنـ، مـفـتـاحـ النـجـاـ، مـيـ باـشـدـ. خـلاـصـهـ ايـ اـزـ شـرـحـ حـالـ اوـ بـهـ نـقـلـ اـزـ كـتـابـ «ـنـزـهـهـ الـخـواـطـرـ، ج ۷ـ، ص ۲۵۹ـ»ـ اـيـنـ چـنـینـ استـ: «ـالـشـيـخـ الـعـالـمـ الـمـحـدـثـ بـنـ رـسـتـمـ بـنـ قـبـادـ الـحـارـشـيـ، أـحـدـ الرـجـالـ الـمـشـهـورـيـنـ فـيـ الـحـدـيـثـ وـالـرـجـالـ»ـ (ـنـزـهـهـ الـخـواـطـرـ، ج ۷ـ، ص ۲۵۹ـ)

شـيـخـ وـعـالـمـ وـمـحـدـثـ وـيـكـيـ اـزـ بـزـرـگـانـ درـ عـلـمـ حـدـيـثـ وـرـجـالـ استـ.

[33] . الغـدـيرـ، عـلـامـهـ أـمـيـنـيـ، ج ۱، ص ۲۲۲ـ. مـفـتـاحـ النـجـاـ - مـخـطـوـطـ.

[34] . يـنـابـيعـ الـمـوـدةـ لـذـويـ الـقـرـبـيـ، قـنـدـوزـيـ، ج ۲، ص ۲۸۳ـ.

[35] . الـفـصـولـ الـمـهـمـهـ فـيـ مـعـرـفـهـ الـأـئـمـهـ، ص ۴۲ـ.

[36] . تـفـسـيرـ الـنـيـشاـبـورـيـ، ج ۳ـ، ص ۱۸۸ـ.